

سیمای امام حسین علیه السلام در احادیث نبوی منابع حدیثی اهل سنت

دکتر محمد رنجبر حسینی^۱

فاطمه غمخوار^۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۹/۸/۱۱

چکیده

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به ویژه حسنین (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) در بین اهل سنت از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. منشاء آن، روایات نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فضائل و مناقب ایشان و تصریح و امر قرآن به مؤدت و پیروی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است. یکی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که روایات بسیاری از احادیث نبوی را به خود اختصاص داده، امام حسین علیه السلام است. بازخوانی و گردآوری این احادیث در یک نوشتار می‌تواند طالبان حقیقت را در شناخت جایگاه امام حسین علیه السلام در منابع و کتاب‌های حدیثی اهل سنت یاری و حقایق را آشکار کند. نوشتار پیش رو بر مبنای مطالعه کتابخانه‌ای و با روش توصیفی تنظیم شده است. در این پژوهش نشان داده شد که روایات نبوی نقل شده در منابع حدیثی اهل سنت، امام حسین علیه السلام ریحانه

۱. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (ranjbarhosseini@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد علوم حدیث گرایش کلام و عقاید دانشگاه قرآن و حدیث

رسول ﷺ، سرور جوانان اهل بهشت، محبوب خدا و پیامبر او، از نخستین وارد شوندگان به بهشت، هدایت‌گر و هدایت‌کننده است و مهدی موعود ﷺ از نسل او معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، اهل سنت، روایات نبوی، منابع حدیثی.

مقدمه

امام حسین علیه السلام به عنوان سبط اصغر نبی اکرم صلی الله علیه و آله و با توجه به مجموعه روایاتی که در باب فضائل و مظلومیت وی در منابع اهل سنت و شیعه امامیه آمده از جایگاه ویژه‌ای نزد مسلمانان برخوردار است. برای شناخت ویژگی‌ها و اوصاف امام حسین علیه السلام، بهترین منبع، کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ چرا که امام حسین علیه السلام در آغوش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرورش یافته و در خاندان وحی تربیت شده است. روایات بسیاری از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله در باب فضیلت و منزلت امام حسین علیه السلام در منابع اهل سنت وارد شده که حاکی از جایگاه اهل بیت علیهم السلام در نزد صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله، تابعین و سلف می‌باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله، حسن و حسین را گرمی می‌داشتند و به آنها محبت بسیار کرده و همگان را به دوست داشتن آن دو سفارش می‌نمودند. امام حسین علیه السلام از اصحاب کساء و از حاضران در ماجرای مباحله و یکی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است که آیه تطهیر در شأن ایشان نازل شده است. شناخت سیمای امام حسین علیه السلام در منابع اهل سنت می‌تواند در تقریب دیدگاه‌های شیعه و سنی در باب اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و مبارزه با دیدگاه ناصبی‌گری و دشمنی با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، کمک شایانی نماید. مقاله پیش رو برای رسیدن به این هدف و ضرورت، سامان یافته است. با توجه به فراوانی روایات نبوی، در تدوین این مقاله، احادیث نبوی گلچین شده است چرا که گردآوری همه این روایات کتابی جامع، بل موسوعه‌ای را می‌طلبد.

امام حسین علیه السلام، ریحانه رسول صلی الله علیه و آله

در صحیح بخاری در کتاب ادب در باب ابراز علاقه به فرزندان، محبت و بوسیدن

ایشان به روایت از ابن ابی نعیم آمده است:

وقال البخاری: «حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ، حَدَّثَنَا مَهْدِيُّ، حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي يَعْقُوبَ، عَنْ ابْنِ أَبِي نُعَيْمٍ، قَالَ: كُنْتُ شَاهِدًا لِابْنِ عُمَرَ، وَسَأَلَهُ رَجُلٌ، عَنْ دَمِ الْبَعُوضِ، فَقَالَ: مِمَّنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ: مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ، قَالَ: انظُرُوا إِلَيَّ هَذَا، يَسْأَلُنِي عَنْ دَمِ الْبَعُوضِ، وَقَدْ قَتَلُوا ابْنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَسَمِعْتُ النَّبِيَّ يَقُولُ هُمَا رِيحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا» (بخاری، ۱۴۱۰: ۹ / ۲۱).

ابن ابی نعیم گفت: پیش ابن عمر بودم که شخصی از او درباره خون پشه سؤال کرد. گفت: تو از کجایی؟ پاسخ داد: از عراق. ابن عمر گفت: به این شخص نگاه کنید که از من راجع به خون پشه می پرسد در حالی که اهل عراق کسانی بودند که پسر پیامبر خدا را به قتل رساندند. من از آن حضرت شنیدم که فرمود این دو - حسن و حسین علیهما السلام - ریحانه من هستند.

این حدیث در مسند الإمام أحمد بن حنبل (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۹ / ۴۰۳)، ینابیع المودّة لِدَوَى الْقُرْبَى (فندوزی، ۱۴۲۲: ۲ / ۳۷)، با همین بیان نقل شده است. سنن الترمذی این حدیث را با کمی تفاوت چنین نقل کرده: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ هُمَا رِيحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا» (ترمذی، ۱۴۱۹: ۵ / ۴۷۴). پیامبر صلی الله علیه و آله در احادیث مختلفی فرزند را ریحانه و گل خوشبواز جانب خداوند برای پدر و مادر می دانند و شاید به همین دلیل است که به محبت و بوسیدن و معانقه با فرزندان بسیار توصیه کرده اند و خود نیز در رفتار و کردار با حسنین علیهما السلام بارها عمق محبت خود را به نمایش گذاشته اند. مثلاً در روایتی ابن سعد این گونه نقل می کند: دخلت على النبي والحسن والحسين يلعبان على ظهره فقلت: يا رسول الله! أتحيهما؟ فقال: وما لي لا أحبهما وإنهما ريحانتاي من الدنيا (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۴ / ۸).

بر نبی وارد شدیم، حسن و حسین بر پشت او بازی می کردند. پس گفتم یا رسول الله! آیا آنها را دوست داری؟ پس گفت: چگونه دوست نداشته باشم. همانا آنها گل های خوشبوی من از دنیا هستند و در حدیثی دیگر از ابی ایوب انصاری روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله، حسنین را می بوئیدند و می فرمودند:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ هَاشِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحُرْمِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ - يَعْنِي مَعْمَرِ بْنِ حَزْمٍ -، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمَا يَلْعَبَانِ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَفِي حِجْرِهِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتُحِبُّهُمَا؟ قَالَ: وَكَيْفَ لَا أُحِبُّهُمَا وَهُمَا رِيحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا أَشْمُهُمَا» (گنجی، ۱۳۶۲: ۴۲۱).

ابی ایوب انصاری: بر نبی داخل شدیم، حسن و حسین بین دو دست و روی دامن او بازی می‌کنند. پس گفتم یا رسول الله آیا آنها را دوست داری؟ حضرت گفتند: چگونه دوست نداشته باشم آن‌ها را همانا آنها گل های خوشبوی من از دنیا هستند آنها را ببوئید. همچنین پیامبر ﷺ در روایتی دیگر امام حسین علیه السلام را گلی از امت اسلام می‌داند:

نسائی در سنن الکبری به نقل از انس بن مالک آورده که: أخبرنا محمد بن عبد الأعلى، حدثنا خالد، قال: حدثنا الأشعث، عن الحسن، عن بعض أصحاب رسول الله قال: يعني أنس بن مالك قال: «دَخَلْنَا، وَرُبَّمَا قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ يَنْقَلِبَانِ عَلَى بَطْنِهِ قَالَ: وَيَقُولُ: رِيحَانَتِي مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ» (نسائی، ۱۴۲۴: ۵ / ۴۹، ۱۰۵).

گفت: داخل شدیم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و حسن و حسین بر روی شکم رسول خدا صلی الله علیه و آله بازی می‌کردند، حضرت فرمودند: این دو گل‌های من از این امت هستند.

امام حسین علیه السلام، سرور جوانان اهل بهشت

مورخان و محدثان متعددی از قبیل احمد بن حنبل در مسند، ابن ماجه در سنن، حاکم در مستدرک در احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، این مضمون را با بیان‌های متفاوتی نقل کرده‌اند، از آن جمله روایت ابی سعید خدری است: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الزُّبَيْرِيُّ، حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ مَرْدَائِبَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي نُعْمٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۱۷ / ۳۱). این حدیث در السنن الکبری (نسائی، ۱۴۱۱: ۵ / ۱۴۹)، ینابیع المودة لِذَوِي الْقُرْبَى (قندوزی، ۱۴۲۲: ۲ / ۳۴) به همین نقل آمده است. و ترمذی بعد از نقل این حدیث، آن را حدیث حسن صحیح می‌داند (ترمذی، ۱۴۱۹: ۵ / ۴۲۶). همچنین ترمذی در صحیح خود

روایتی را از حذیفه چنین نقل می‌کند:

قال: سألتني أمي متى عهدك؟ تعني بالنبي صلى الله عليه وسلم فقلت: مالي به عهد منذ كذا وكذا، فنالت مني، فقلت لها: دعيني أتى النبي صلى الله عليه وسلم فأصلي معه المغرب، وأسأله أن يستغفر لي ولك، فأتيه النبي صلى الله عليه وسلم فصليت معه المغرب فصلي حتى صلى العشاء، ثم انفتل فتبعته، فسمعت صوتي، فقال: من هذا، حذيفة؟ قلت: نعم، قال: ما حاجتك غفر الله لك ولأميك؟ قال: إن هذا ملك لم ينزل الأرض قط قبل الليلة استأذن ربه أن يسلم علي ويبشّرني بأن فاطمة سيده نساء أهل الجنة وأن الحسن والحسين سيّد شباب أهل الجنة (ترمذی، ۱۴۱۹: ۳۰۶/۲).

حذیفه بن یمان نیز می‌گوید: مادرم از من پرسید چه زمانی وعده دیدار با رسول خدا را داری؟ گفتم: مدتی با وی ملاقات نکردم. مادرم با من دعوا کرد. گفتم: مهلت بده تا نماز مغرب را پشت سر پیامبر با او بخوانم. واز او بخواهم برای من و تواز خدا طلب بخشش کند. نزد پیامبر آمدم و پشت سرش نماز خواندم و بعد از آن، نماز عشا را نیز با او خواندم. پس از آن، نماز مستحبی به جای آورد و به راه افتاد. به دنبالش رفتم. صدایم را شنید و پرسید: حذیفه تویی؟ گفتم: آری، فرمود: خدا تو و مادرت را ببخشد. همین حالا اینجا فرشته‌ای است که تاکنون روی زمین نیامده بود. از خداوند اذن خواست تا به زمین بیاید و به من بشارت دهد که فاطمه، سیده زنان بهشت و حسن و حسین، دو سرور جوانان بهشتند. ابن ماجه در صحیح خود در روایتی از ابن عمر به نقل از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله علاوه بر معرفی حسنین عليهما السلام به عنوان جوانان اهل بهشت، پدر بزرگوارشان، یعنی حضرت علی عليه السلام را نیز برتر از آنان معرفی می‌کند: قال: «قال رسول الله: الحسن والحسين سيّد شباب أهل الجنة وأبوهما خير منهما» (ابن ماجه، ۱۴۱۸: باب ۱۱ / ح ۱۱۸). ابن عمر از رسول خدا روایت می‌کند که حسن و حسین سید جوانان اهل بهشت هستند و پدر آن دو بهتر از ایشان. حاکم در مستدرک الصحیحین نیز همین نقل را آورده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳ / ۱۶۷).

کثرت این روایات در منابع اهل سنت، تردیدی ایجاد نمی‌کند که امام حسن و امام حسین عليهما السلام آقا و بزرگ جوانان اهل بهشت هستند. این نکته هم مغفول نماند که همه

انبیاء و اولیای الهی، از شرافت خاصی نسبت به دیگر بهشتیان برخوردارند و به همین بیان می‌توان تمام آنان را سید و بزرگ بهشتیان دانست، اما گاهی ویژگی‌هایی در برخی از این ایشان وجود دارد که جنبه‌ای خاص از سیادت آنان را برجسته می‌سازد. درباره سیادت حسنین علیهما السلام نسبت به جوانان اهل بهشت نیز می‌توان گفت؛ نوجوانی و جوانی این بزرگواران همزمان با جوانی اسلام بوده، و به همین علت در میان مسلمانان چه در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و چه بعد از آن، هیچ کودک، جوان و نوجوانی به اندازه آنها از احترام برخوردار نبوده و تقوا و شخصیت آنان قابل مقایسه با دیگر جوانان نیست، چنین لقب شایسته‌ای بر آنان نهاده شد، چراکه آنان هم سرور جوانان بهشتی‌اند و هم سرور بزرگسالان و پیرانشان.

حسین علیه السلام از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و محبوب خدا

یکی از احادیثی که حکایت از جایگاه ویژه امام حسین علیه السلام در نزد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دارد، حدیث معروف «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» می‌باشد. این حدیث بر سر در ورودی حرم حسینی نقش بسته است. کتاب *المصنف* ابن ابی شیبیه، قدیمی‌ترین منبعی است که به این حدیث اشاره دارد. نام کامل این ابی شیبیه، ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابراهیم (ابوشیبیه) بن عثمان عیسی کوفی (۱۵۹-۲۳۵ ق) است که تقریباً تمام رجال‌شناسان اهل سنت وی را «موثق» دانسته‌اند. ذهبی، افزون بر توثیق او، وی را راست‌گفتار نیز دانسته است (ذهبی، ۱۹۸۶: ۴۳۳/۲). ابن ابی شیبیه استاد حدیث بخاری، صاحب کتاب حدیثی صحیح بخاری از صحاح سته و مورد اعتماد اهل سنت می‌باشد. وی حدیث «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» را این گونه نقل می‌کند:

حَدَّثَنَا عَفَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا وَهَيْبٌ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي رَاشِدٍ، عَنْ يَعْلَى الْعَامِرِيِّ، أَنَّهُ خَرَجَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى طَعَامٍ دَعَا لَهُ، فَإِذَا حُسَيْنٌ يَلْعَبُ مَعَ الْغُلَمَانِ فِي الطَّرِيقِ، فَاسْتَقْبَلَ أَمَامَ الْقَوْمِ ثُمَّ بَسَطَ يَدَهُ وَظَفِقَ الصَّبِيَّ يَفْرُهَا هُنَا مَرَّةً وَهَاهُنَا، وَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ يُصَاحِكُهُ حَتَّى أَخَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ فَجَعَلَ إِحْدَى يَدَيْهِ تَحْتَ ذَقْنِهِ وَالْأُخْرَى تَحْتَ قَفَاهُ، ثُمَّ أَقْنَعَ رَأْسَهُ رَسُولُ اللَّهِ فَوَضَعَ فَاهُ عَلَى فِيهِ، فَقَبَّلَهُ، فَقَالَ: حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ

(ابن ابی شیبیه، ۱۴۲۹: ۶/۳۸۰).

یعلی بن مره عامری می‌گوید: همراه رسول خدا ﷺ به مهمانی که دعوت شده بود، خارج شدم. حسین علیه السلام همراه کودکانش در میان راه بازی می‌کرد. رسول خدا جلوی آنها ایستاد و دست خود را گشود؛ اما این کودک (امام حسین) از این طرف به آن طرف فرار می‌کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به خنده می‌آورد. تا این که حضرت او را گرفت يك دستش را زیر چانه و دست دیگر را در پشت گردنش قرار داد سپس سرش را بالا گرفت و دهانش را به دهان حسین گذاشت و او را بوسید. پس از آن فرمود: حسین از من است و من از حسینم، خداوند دوست بدارد کسی که حسین را دوست بدارد. حسین نوه‌ای از نوادگان است. این حدیث در مسند احمد بن حنبل (۱۴۲۱: ۲۹/۱۰۳) و سنن ابن ماجه (۱۴۱۸: ۱۰۱/۱) نیز با همین نقل آمده است. در کتاب صحیح ترمذی بعد از نقل این حدیث، این حدیث را حسن می‌داند (ترمذی، ۱۴۱۹: ۵/۴۷۵). حاکم نیشابوری صاحب کتاب المستدرک علی الصحیحین هم این حدیث را با نقل فوق ذکر می‌کند و می‌گوید: این حدیث صحیح است اگرچه صحیح بخاری و صحیح مسلم آن را ذکر نکرده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳/۱۹۴).

تقریباً اکثر منابع اهل سنت این حدیث را با همین نقل ابن ابی شیبیه در کتب خود آورده‌اند. فقط هیثمی، امام حسن علیه السلام را در کنار امام حسین علیه السلام سبط پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می‌کند و اسناد این حدیث را حسن می‌شمارد (هیثمی، ۱۴۱۴: ۹/۱۸۵).

با توجه به نقل این حدیث در صحیح ترمذی و سنن ابن ماجه که از صحاح سته و مورد قبول اهل سنت می‌باشند و سایر نقل‌هایی که از این حدیث در منابع متقدم و متأخر آمده و محدثان شاخص آنها این حدیث را حسن یا صحیح دانسته‌اند، اطمینان به صدور این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و معتبر بودن این حدیث در نزد محدثان اهل سنت حاصل می‌شود. در منابع حدیثی شیعه این حدیث در کتاب کامل الزیارت ابن قولویه و الارشاد شیخ مفید آمده و اکثر محدثان یا متکلمان امامیه بعد از ایشان نقل این دو کتاب و بعضاً نقل اهل سنت را در کتب خود آورده‌اند که حکایت از مقبول بودن این حدیث در نزد محدثان امامیه دارد.

مدلول حدیث چنان که بررسی شد، متضمن سه فراز است: اول، اشاره به وحدت و یگانگی روحی، راه و روش و اهداف امام حسین علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اعتلای کلمه الله و حفظ دین الهی دارد؛ دوم، محبت امام حسین علیه السلام منجر به محبوب شدن در نزد خداوند می شود مشروط به اینکه این حب همراه با تبعیت از دستورات امام حسین علیه السلام و پیروی از اهداف او باشد. سوم، مراد از خطاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: «حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ»؛ مقصود این است که امام حسین علیه السلام، امام و وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می باشد. از نگاهی دیگر به جهت این که نسل سایر امامان و اسباط پیامبر خاتم از امام حسین علیه السلام ادامه پیدا می کند، او از جایگاه ممتاز و خاصی در بین امامان معصوم علیهم السلام برخوردار است (رنجبر حسینی، ۱۳۹۸: ۱۲).

حسین علیه السلام، محبوب دل رسول الله صلی الله علیه و آله

در پاره ای دیگر از روایات نبوی، توجه و مراقبت ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به حسنین علیهم السلام را می بینیم. توجهی که از عمق عشق آن حضرت نسبت به دوری خانه خویش حکایت دارد. در باب فضیلت دوستی با حسین علیه السلام و نکوهش دشمنی با آن حضرت آمده است:

عَنْ سَلْمَانَ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَقُولُ: «الْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ ابْنِي مَنْ أَحَبَّهُمَا أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّنِي أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا أَبْغَضَنِي، وَمَنْ أَبْغَضَنِي أَبْغَضَهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَبْغَضَهُ اللَّهُ أَدْخَلَهُ النَّارَ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳ / ۱۶۶).

از سلمان نقل شد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حسن و حسین پسران من هستند. هر که دوستشان بدارد مرا دوست داشته و هر که مرا دوست بدارد خدا او را دوست دارد. و هر کس خدا او را دوست دارد او را داخل بهشت کند. و هر که آن دورا به خشم آورد مرا به خشم آورده و هر که مرا به خشم آورد خدا را به خشم آورده است و هر که خدا را به خشم آورد او را داخل در آتش می کند. در همین باب احمد بن حنبل در روایتی دیگر از ابی هریره از پیامبر صلی الله علیه و آله با مضمون فوق نقل می کند: «حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ أَبِي

الْجَحَّافِ، عَنْ أَبِي حَازِمٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: " مَنْ أَحَبَّهُمَا فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي " يَعْنِي حَسَنًا وَحُسَيْنًا » (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۳/ ۲۶۰).

در برخی روایت رسول خدا ﷺ حسنین را با عنوان (فرزندان من و فرزند دختر من) معرفی می‌کنند که نشانه تأکید ایشان به خویشاوندی و علاقه شدید حضرت به این دو بزرگوار است که می‌فرماید:

عن الإمام أبي بكر هذا، أنبأنا الإمام أبو عبد الله الحافظ، حدثنا محمد بن يعقوب، حدثنا عباس بن محمد، حدثنا خالد بن مخلد، حدثنا موسى بن يعقوب الزمعي، عن عبد الله بن أبي بكر ابن زيد، أخبرني مسلم بن أبي سهل، أخبرني الحسن بن أسامة بن زيد بن حارثة، أخبرني أبي أسامة بن زيد، قال: طَرَفْتُ النَّبِيَّ ذَاتَ لَيْلَةٍ فِي بَعْضِ الْحَاجَةِ، فَخَرَجَ النَّبِيُّ وَهُوَ مُسْتَمِلٌ عَلَيَّ شَيْءٍ لَا أَدْرِي مَا هُوَ، فَلَمَّا فَرَعْتُ مِنْ حَاجَتِي قُلْتُ: مَا هَذَا الَّذِي أَنْتَ مُسْتَمِلٌ عَلَيْهِ؟ قَالَ: فَكَشَفَهُ، فَإِذَا حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ عَلَيَّ وَرَكِبِيهِ (ركبتيه)، فَقَالَ: « هَذَانِ ابْنَايَ وَابْنَا ابْنَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُمَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُمَا فَاحْبِبْهُمَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُمَا فَاحْبِبْهُمَا » (ترمذی، ۱۴۱۹: ۵/ ۴۵۶).

محبت و علاقه رسول خدا ﷺ به امام حسین عليه السلام آن قدر زیاد است که در هنگام نماز، حاضر به جدایی ایشان از خود نشدند. در روایتی این گونه آمده: عن زربن عبدالله قال: كان رسول الله صلى فاذا سجد وثب الحسن والحسين على ظهره فاذا ارادوا ان يمنعهما اشار اليهم ان دعوهما، فاذا قضى الصلاة وضعهما في حجره وقال: «من احببني فليحب هذين» (نسائي، ۱۴۱۱: ۸/ ۴۳۴). زربن عبدالله می‌گوید: روزی رسول خدا نماز می‌خواند، چون به سجده رفت حسن و حسین بر پشتش رفتند، پس مردم خواستند مانعشان شوند که حضرت اشاره کرد که رهایشان کنند. چون پیامبر عليه السلام نماز را تمام کردند آن دورا در آغوش خود گرفت و فرمود: هر که مرا دوست دارد پس باید این دورا هم دوست بدارد.

حسین عليه السلام، از نخستین وارد شوندگان به بهشت

حضرت علی عليه السلام درباره نخستین وارد شوندگان به بهشت از زبان پیامبر عليه السلام این گونه می‌فرماید: روی بسنده عن عاصم بن ضمره عن علي عليه السلام قال: «أخبرني رسول الله أن أول من يدخل الجنة أنا، وفاطمة، والحسن، والحسين. قلت: يا رسول الله،

فمحببونا؟ قال: «من ورائکم» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳ / ۱۶۴). از عاصم بن ضمره از علی علیه السلام روایت کرده اند که پیغمبر به او فرمود: اولین کسی که داخل بهشت می شود من، فاطمه و حسن و حسین هستیم». علی عرض کرد پس دوستان ما چه؟ پیغمبر فرمود: «به دنبال سر شما وارد می شوند». صاحب تفسیر ثعلبی این حدیث را در جای دیگری نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام اینگونه روایت می کند:

أخبرنا أبو منصور الجمشاذی، قال: حدثني أبو عبد الله الحافظ، حدثني أبو بكر بن مالك، حدثنا محمد بن يونس، حدثنا عبيد الله بن عائشة، حدثنا إسماعيل بن عمرو، عن عمر بن موسى، عن زيد بن علي بن حسين، عن أبيه، عن جده علي بن أبي طالب رضي الله عنه، قال: «شكوت إلى رسول الله، حسد الناس لي». فقال: «أما ترضى أن تكون رابع أربعة، أول من يدخل الجنة أنا وأنت والحسن والحسين وأزواجنا عن أيماننا و شمالنا، وذريتنا خلف أزواجنا و شيعتنا من ورائنا» (ثعلبي، ۱۴۲۲: ۸ / ۳۱۱).

روایت شده از امیرالمؤمنین علیه السلام که من شکایت کردم پیش رسول الله صلی الله علیه و آله که مردم بر من حسد می برند، فرمود که: راضی نیستی که چهارم چهار کس باشی که اول به بهشت روند که آن منم و تو و حسن و حسین، و ازواج ما در جانب یمین و شمال ما باشند، و ذریت ما در عقب ازواج ما و پیروان ما در عقب آنها.

نکته قابل تأمل در این روایات اشاره روشن به جایگاه اصحاب و پیروان اهل بیت علیهم السلام، عصمت و طهارت در قیامت است که صراحتاً با کلمات (محبین) و (شیعتنا) آورده شده و بیان کننده مقام هدایتگری و شفاعت اهل بیت علیهم السلام در دوزخ است. می باشد.

همجواری با پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت پاداش دوست داران امام حسین علیه السلام

یکی دیگر از احادیثی که درباره فضیلت امام حسین علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، روایتی است که پاداش دوست داران امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در روز قیامت را هم جواری با رسول خدا صلی الله علیه و آله در بهشت می داند:

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، حَدَّثَنِي نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ الْأَزْدِيُّ، أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، حَدَّثَنِي أَخِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ،

عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُسَيْنٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَخَذَ بِيَدِ حَسَنِ وَحُسَيْنٍ فَقَالَ: " مَنْ أَحَبَّنِي وَأَحَبَّ هَدْيَيْنِ، وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ » (ابن حنبل، ١٤١٦: ٢ / ١٨).

روزی رسول خدا ﷺ دست حسن و حسین را گرفت. پس فرمود: هرکس مرا دوست دارد و این دو و پدر و مادرشان را دوست دارد، در روز قیامت با من و در درجه من خواهد بود.

احمد بن حنبل در مسند خود از ابوسعید خدری نقل کرده است که روزی رسول خدا ﷺ بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شد، در حالی که حضرت علی علیها السلام در خواب بود و حضرت فاطمه علیها السلام بر زمین دراز کشیده بود و دو پسرش هم در کنارش بودند. حسن علیها السلام آب خواست، پیامبر ﷺ برخاست و برایش تهیه کرد و به او داد. حسین علیها السلام نیز طلب آب کرد و خواست که قبل از حسن علیها السلام آب بنوشد و گریه کرد. پیامبر ﷺ فرمود: برادرت قبل از تو آب خواست. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: گویا حسن برایت مهم تر است. رسول خدا ﷺ فرمود: او برای من مهم تر نیست. هر دوی آنها برایم یکسانند. من و این دو و تو و این خفته (یعنی: علی علیها السلام) روز قیامت در یک جا خواهیم بود (ابن حنبل، ١٤١٦: ١ / ١٠١).

حسین علیها السلام، هدایتگر هدایت شده

در روایتی که حاکم حسکانی در کتاب خود نقل نموده حسنین به دو ستاره نور افشان تشبیه شده اند که موجب هدایت دیگران می شوند:

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الْفَسَوِيُّ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ مِنْ أَصْلِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو يَعْقُوبَ بْنُ يُوسُفَ بْنِ مَكِّيِّ الرَّجَزِيُّ بِهَمْدَانٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ أَحْمَدُ بْنُ سُلَيْمَانَ بَيْعَدَادَ، قَالَ: قُرِئَ عَلَيَّ هِلَالُ بْنُ الْعَلَاءِ الرَّقِّيِّ وَأَنَا أَسْمَعُ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنِ الدَّرَاوَزِيِّ عَنِ مَكْحُولٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّدِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «اهْتَدُوا بِالشَّمْسِ، فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ فَاهْتَدُوا بِالقَمَرِ، فَإِذَا غَابَ القَمَرُ فَاهْتَدُوا بِالرُّهْرَةِ، فَإِذَا غَابَتِ الرُّهْرَةُ فَاهْتَدُوا بِالفَرْقَدَيْنِ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الشَّمْسُ وَمَا القَمَرُ - وَمَا الرُّهْرَةُ وَمَا الفَرْقَدَانِ قَالَ: الشَّمْسُ أَنَا، وَالقَمَرُ عَلِيُّ وَالرُّهْرَةُ فَاطِمَةُ، وَالفَرْقَدَانِ الحُسَيْنُ وَالحَسَنُ » (حسکانی، ١٤١١: ١ / ٧٩١).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هدایت یابید به خورشید، و هنگامی که که آفتاب را از دست بدهید، پس هدایت یابید به ماه و در فقدان ماه دست به دامان زهره شوید و اگر زهره را نیابید به دو ستاره فقدان پناه آورید. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد که یا رسول الله مقصود از آفتاب و ماه و زهره و فقدان (دو ستاره نورافشان) چیست؟ فرمود: من آفتابم، علی ماه، و فاطمه زهره است و دو ستاره حسنین هستند. آنان با کتاب خدا، دو دستاویز بشر هستند و همواره بهم پیوسته اند و هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر به من ملحق شوند. از این روایت روشن است که حسنین علیهما السلام در مراتب و مناقب، هم ردیف رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمومنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام هستند و در مقام تمسک، اهتدا و اقتدا همانند آنان می باشد و اگر امام حسین علیه السلام در ولایت و عصمت نظیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نبودند، امر هدایت یافتن و پیروی مردم از ایشان و توسل در مشکلات به ایشان، کاری بیهوده می بود.

مهدی موعود علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام

احادیث متواتری در منابع اهل سنت آمده که اگر از عمر دنیا بیش از یک روز نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی می کند تا آنکه مردی از اهل بیت مبعوث شود که اسم او اسم من است. او زمین را از قسط و عدل پر می کند همانگونه که از ظلم و جور پر شد (ترمذی، ۱۴۱۹: ۴ / ۴۳۸؛ قندوزی، ۱۴۲۲: ۲ / ۱۰۳). در روایات نبوی مهدی موعود علیه السلام از نسل حضرت فاطمه علیها السلام دانسته شده است:

و از أم سلمة آمده است: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: الْمَهْدِيُّ مِنْ عَثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ (ابوداود، ۱۴۲۰: ۲ / ۳۱۰) و روایات مشابه این مضمون (المهدی من ولد فاطمه) (ابن ماجه، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۳۶۸) و (هو من ولد فاطمه) (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴ / ۵۵۷) در منابع اهل سنت وجود دارد.

در روایاتی دیگر در منابع اهل سنت اشاره شده که امام مهدی علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام می باشد: از سلیم بن القیس الهلالی، از سلمان فارسی روایت شده که: «دخلت على النبي فاذا الحسين علیه السلام على فخذي و هو يقبل عينيه و يقبل فاه و يقول أنت

سَيِّدُ ابْنِ سَيِّدٍ أَنْتَ إِمَامٌ ابْنُ إِمَامٍ وَأَنْتَ حُجَّةٌ ابْنُ حُجَّةٍ أَبُو حُجَجٍ تَسَعَةَ تَسَعُهُمْ قَائِمُهُمْ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۲۹ / ۱۰۳). سلمان فارسی گوید: خدمت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسیدم، وقتی که حسین را بردامن مبارك داشت، میان دو دیده و لبان او را می بوسید و می فرمود تو سید پسر سید، امام پسر امام، توحجت پسر حجت و پدرت حجتی که از پشت تو بیرون آیند و نهم آنان قائم این خاندان است. براساس روایات منابع شیعه و سنی، این که امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام مردی از امت اسلامی و از خاندان اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، تردید و اختلافی نیست و به این نکته تصریح شده که حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از ذریه فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام و از نسل امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام می باشد. البته در برخی از روایات اهل سنت، ایشان از نسل امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام معرفی شده اند (صافی، ۱۳۹۵: ۲۵).

نتیجه

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان سبط اصغر نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و با توجه به مجموعه روایاتی که در باب فضائل و مظلومیت وی در منابع سنی و شیعه امامیه آمده، از جایگاه ویژه‌ای نزد مسلمانان برخوردار است. برای شناخت ویژگی‌ها و اوصاف امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، بهترین منبع کلام رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ چراکه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در کودکی در آغوش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرورش یافته و در خاندان وحی تربیت شده است.

روایاتی که در این مقاله ذکر شد، نمونه‌هایی اندک از احادیث بسیاری است که در منابع حدیثی و تاریخی اهل سنت آمده که به جهت تواتر لفظی یا تواتر معنوی مورد قبول اکثر اهل سنت می باشد. از این روایات بدست می آید که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، علی عَلَيْهِ السَّلَام، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام و حسنین عَلَيْهِمَا السَّلَام را از تمام مردم و نزدیکان خود بیشتر دوست می داشتند و این صرفاً بخاطر پیوند خویشاوندی و محبت قلبی رسول الله به امام نبوده بلکه گویای این مطلب است که اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به صورت عام و امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام با توجه به قیامشان علیه انحراف دین و حکومت یزید و شهادت شان در کربلاء، به صورت خاص نقش بسیار مهم و کلیدی در استمرار نهضت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داشته و با شهادت خود حیاتی دوباره به دین اسلام بخشیدند که این مضمون در وصیت امام به محمد حنفیه هنگام حرکت به سوی کوفه آمده است.

منابع

- ابن ابی شیبہ، ابوبکر عبد اللہ بن محمد (۱۴۲۹ق)، المصنف، تصحیح سعید محمد لحام، بیروت، دارالفکر.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق ابراهیم زبیق، لبنان، مؤسسة الرسالة.
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، ج ۸، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۸ق)، سنن الحافظ أبی عبد الله محمد بن یزید القزوينی، بیروت، منشورات محمد علی بیضون.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰ق)، سنن أبی داود، گردآورنده: مصطفی محمد ذهبی، قاهره، دار الحديث.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ق)، صحیح البخاری، جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف، قاهره - مصر، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة، لجنة إحياء كتب السنة.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹ق)، الجامع الصحیح وهوسنن الترمذی، ج ۵، شرح: احمد محمد شاکر، قاهره - مصر، دار الحديث.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف والبيان المعروف تفسیر الثعلبی، تحقیق ابی محمد ابن عاشور، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی.
- حاکم نیشابوری (۱۴۱۱ق)، مستدرک الصحیحین، تحقیق عبد القادر عطا، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- حسکانی، الحاکم (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البيت، تهران، ارشاد اسلامی.
- ذهبی، محمد (۱۹۸۶م)، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب احمد ارنؤوط، بیروت، دارالفکر.
- رنجبر حسینی، محمد (۱۳۹۸ش)، «بررسی اعتبار و دلالت حدیث حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا

- من حُسَيْنٍ»، مجله معارف حسینی، پاییز، شماره ۱۵، ص ۱۲.
- صافی، لطف الله (۱۳۹۵)، پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، ینابیع المودة لذوی القربی، تحقیق علی بن جمال اشرف حسینی، قم، منظمة الاوقاف والشؤون الخيرية، دار الأسوة للطباعة و النشر.
- گنجی، محمد بن یوسف (۱۳۶۲ش)، کفایة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب علیه السلام، تحقیق محمد هادی امینی، تهران، دار احیاء تراث أهل البيت علیهم السلام.
- نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۱ق)، السنن الكبرى، گردآورنده: احمد شمس الدین، بیروت - لبنان، دار الکتب العلمیة.
- هیشمی، نورالدین علی بن ابی بکر (۱۴۱۴ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، قاهره، مکتب القدسی.

